

سناریو

نه اذانه بیله پستراه آهن منصرف گردد. جای شك نیست كه چنین این قلمها ناآبروی بسیاریكو در كلوگران میگذارد. با ذكر این چند مثال اگر بگوئیم سینما یكی از شاه های بارز ترقی و تمدن كشور های پیش افتاده است افران نگنماییم.

فيلم چه تریس، آموزشی، تبلیغاتی یا مستند، صنعتی، علمی، تجاری و غیره همه باستانی فیلم خبری از روی نوشته ای خاص تهیه می گردد كه پایه و اساس فیلم را تشکیل می دهد كه بآن «سناریو» Scenario می گویند و ما ناگزیریم از همان نام بین المللی استفاده کنیم.

سناریو «عبارتست از تشریح و بیان تمام صحنه های مشکل یك فیلم كه در آن گذشته از ذكر داستان حرکات و حالات مختلف شخصیت ها، بترتیب ظهور و قیام خاص آن فیلم درج گردیده باشد:

سناریو واژه ای بوده كه در تاتاری و برخی دیگرى موادت زمان بكار می رفته است ولی پس از بوجود آمدن سینما این لغت خاص سینما گردیده است.

فيلم خوب و با ارزش از مرنوع كه می خواهد باشد همه دارای ساختمان و اسكلت مشتركی هستند كه سناریو نام دارد گواينكه فیلم های بدون ارزش و موهولى و حنى فیلم های علاقه مندانى كه سینما حرفه آنان نیست هم نمی توانند بدون سناریو باشند. سناریو نه شهتی با آثار دمگفت و شنودی همانند

سینما و محصولات متنوع آن چنان در امور اجتماعی و کارهای جهان متمدن رخنه کرده است كه شاید بتوان كشور های بزرگ و با عظمت جهان را از قدرت تهیه فیلم در شئون مختلف آن شناخت.

كشورهای مرقی سربازان خود را با نشان دادن فیلمهای ویژه تربیت میکنند و با آن درس دلآوری و جنگاوری و عملیات مخصوص می آموزند و همچنین پدانشجویان خود در مورد تعلیمات دانشگاهی.

فيلم های آموزشی و تربیتی قسمت اعظم برنامه آموزشگاه ها، كودكستان، دبستان و دبیرستانها را تشکیل می دهد و حتی در دانشكده ها درس طبیعی، جراحی و غیره با نمایش فیلم تدریس می گردد.

وزارتخانه ها و ادارات مهم از این صنعت برای رهبری كارمندان خویش بسظور بهبود كار روزانه آنها استفاده شایان می کنند. مثلا اداره تره آهن كشور فرانسه مستقلا دارای لابراتوار، استودیو، لوازم کافی برای فیلم برداری، كارگردان و متخصص و غیره می باشد و سایرانه چند فیلم بسظور تحريك حس مسئولیت و انجام وظیفه و بیدار كردن وجدان كارگران و كارمندان خود تهیه می نماید تا مثلا در حمل و انتقال صندوق پست ها كه احتمالا مسكن است حاوی ظروف شكسته باشد مراقبت و مواظبت بعمل آید و در بالا و پایین گذاردن آنها بی مبالائی نگردد و در نتیجه نه پردم زیبایی ماری وارد شود و

مکالمات تئاتری، دارد و نه نزدیک بروش نوشته های ادبی، بلکه در آن موضوع و حرکات اشخاص و تشریح صحنه هامورد نظراست.

مثلا اگر فیلم، راجع به قسمتهای مختلف يك كار گامها مناظر شهر و با زندگی خانواده ای باشد تعیین اجزای مستحای مختلف آن کارگاه و باوصف نواحی و مناظر مورد نظر آن شهر و با چگونگی حالات و حرکات و وقایع زندگی آن خانواده مورد نظر خواهد بود.

نویسنده يك سناریو، بدون رعایت فرمهای ادبی بایستی بیایانی ساده کلیه تصاویر و حرکات و اتفاقات بین شخصیتهای زنده و اجسام و ادوات و فرم و روابط بین آنها را که در موضوع موزاست تشریح نموده و جای آنها را نسبت بیکدیگر معلوم دارد. از لحاظ زمان و امکان می توان سناریو را به بخشهایی تقسیم نمود و به ترتیب به تشریح هر یک پرداخت.

مشکلهای کار نویسنده سناریو هم آهنگی مداومت حرکات جانداران داستان، تغییر مکان و رعایت زمان در فواصل حرکات آنان میباشد.

اگر این مطلب مهم در اثر رعایت نگردد از ارزش موقی آن کاسته شده و مصنوعی و غیر طبیعی جلوه خواهد نمود. بدینست درایت باوه مثالی بزبیم تا موضوع روشن گردد.

شهری باستان بهانه اش که در شیران است مراجعت نموده از زنش می خواهد تا فوراً حاضر شود و با هم منزل یکی از دهستان که بناسی چشنی گرفته است بروند ولی خانم چون لباس جدیدش را از خیاط که در تهران است هنوز نگرفته از رفتن بهمایی یا لباس قدیم خود داری میکند. شوهر از او خواهد میبکند که لااقل حاضر شود و خود را آرایش کند تا او بهتران رفتن لباس تازه اش را از خیاط بگیرد. آیا بنظر شما طبیعی خواهد بود که شوهر این خانم با ما شدن از شیران بتهران بیاید، لباس را بگیرد و مجدداً منزل مراجعت کند ولی خانم هنوز آرایش خود را تمام نکرده باشد!

شاید بگویند این امر خیلی طبیعی است و با نوان برای آرایش بیش از آن بوقت احتیاج دارند!

اما این تئیسه در فیلم «شین» بکار گردانی جان هوستون که ماه گذشته در سینما هما بمرض نمایش گذارده شد ب خوبی وجود داشت و داستان فیلم را غیر طبیعی جلوه داد. قهرمان داستان آن لاد نیمه شب برای کشتن دشمن بر اسب سوار شده و بیابانها و مزارع را زیر سم های اسب گذارده و از خانه ای واقع در يك نقطه دور افتاده بدهکده مورد نظر سواره می تازد. همین راه و با ماموله شروع کرده و دائماً با سرعت می رود. ولی بعضی اینکه اسب سوار بفرمود رسیده از اسب پائین بریده وارد خانه دشمن میگردد، آنظلم خردسال هم لحظه ای بد عرق ریزان بجل حاد می رسد و ناظر قتل و تیراندازی میگردد: اگر چنانچه فرض کنیم این کودک خشکی ناپذیر بوده

وراء و اینکس و با سرعت دویده باشد آیا میتوانیم بگوئیم سرعت حرکت او هم با سرعت سیر اسب برابر و یکسان بوده است تا هر دو در فاصله ای کمتر از نیم دقیقه از خانه ای واقع در بیابان بدهکده رسیده باشند؟! غیره.

بر نویسنده سناریو گذشته از شناسائی کامل به قوانین فیلمبرداری و حرکات دوربین و حلقه های مختلف فیلم برداری و اجاباست ثابت اصل مهم را بخاطر داشته باشد و آن بیان داستان برای فیلم است: بدین معنی که باید تمام جنبشها و حرکات ناشی از تاترات و انفالات باطن اشخاص را نمودار سازد. نه همچون زمان نویس که مقید است کوچکترین تغییرات روحی اشخاص را توضیح داده و رموز آداب و اخلاق آنها را نقاشی نماید و بدینوسیله کتاب دروا شناسی بوجود آورد.

نویسنده سناریو باید ژست و حرکات شخصیت های داستان را مجسم کند و رفتار آنها را در موقعیت خاص عیان سازد و مانند نقاشی که جسم انسان را بدون نشان دادن اسکلت و استخوانش میکشد همانطور بدون توجیح حالات روحی بد کار اعمال و حرکات و ژست و توصیف مکانهای مختلف که وقایع در آنها صورت عمل میگردد مبادرت ورزد زیرا در حقیقت اشخاص دلیل آنها را که میکنند نمی گویند و حالات روحی را تشریح نمی نمایند و اگر هم چنین چیزی فهمیده شود از اعمال و حرکات و ژست آنهاست و پس.

الجب اوقات داستان يك فیلم از زمان و پانامیاشامه تاترت گرفته میشود. در این هنگام تنظیم کننده سناریو باید کاملاً خود را از قید نوشته تئاتر و بارمان آزاد کند و آنها را فراموش نماید تا بتواند منظور خود را بسطک خاص فیلم در نظر برورد و در قالب سناریو بریزد. چه بسا از نویسنده گای که باین رموزی برده و سناریوئی را از نایاشامه پارمان خود اقتباس و تنظیم نموده اند و گو آنکه در فیلم با ناران آن از لحاظ ادبی لفظه ای وارد شده لیکن از لحاظ حرکت و جنبش نیز اثر خود را از بی اثر آینه بوده مجسم نموده اند.

ممکن است در يك سناریو بعضی گفت و شنودها ذکر گردد لیکن این قسمت فقط بمنظور واقفیت برای دوك حالات و حرکات است و اجباری برای نوشتن آن نیست. آمریکاییان این قسمت را یعنی مکالمات را در ستون جداگانه ای در سناریو قید میکنند.

بطور خلاصه میتوان گفت «سناریو» یعنی بیان داستان و انتریک بشرطیکه نویسنده «محل حادثه و حرکات و جنبشها» را نیز با خود داستان بوجود آورد و جای آنها را در بهترین موارد ممکنه معلوم کرده باشد.

باید متذکر شویم که از روی سناریو فیلم برداری نمیشود بلکه متخصص دیگری که بشام رموز و تکنیک فیلم برداری و سینما شناسی کامل دارد آنرا از لحاظ فنی تقطیع Decoupage Technique می نماید. اغلب خود کارگردانان این قسمت مهم را همواره دار میشوند.

در میان هزاران بازیگر تئاتر و سینما که بحق پانامی خود را هنرپیشه و هنر مند مینامند در نامتوان شخصیتی برجسته و ستاره ای درخشان چون بت دیویس یافت. دوران سی ساله فعالیت سینمایی این زن هنرمند که شاهکارهایی جاودیدان با شرکت او تهیه شده است خود قبلی است که تکرار آن شاید تجلیلی از یک هنرمند فراموش شده محسوب گردد و چه بهتر که ماجرای آن از زبان خود او شنیده شود:

«از ده سالگی در نمایشات مدرسه شرکت میکردم و بازیهای هنر پیشگی بزرگ میشدم. بهترین مشوق من مادرم بود که همیشه منیگر و مسائل پیشرفت مرا فراهم آورد و وقتی تحصیلات مقدماتی من تمام شد مرا به مدرسه هنر پیشگی خاصی که کمپنیش علاقتندان فراوان داشت سپرد اما پس از یک هفته او مادرم را احضار کرد و سر بیجا گفت که بت دختری سبک مغز و بی استعداد است و در این مدرسه بجائی نخواهد رسید. مادرم مایوس شد و مرا به مدرسه دیگری برد که در آنجا من هندورمی «پل سونی» و «کاترین هیرن» بودم پس از اتمام مدرسه در تئاترهای مختلف شروع بکار کردم و بعد از مدتی به «جرج کار» و «کارگران دوران صامت» عالی بود معرفی شدم و در لهای مختصری بن معمول گردیدم. هنر پیشگی سینما از ابتدا برای من راهی صعب و نامانوس مینمود. تجربیاتی که از سن تئاتر آموخته بودم بهترین راهنمای من در مقابل دوربین محسوب میشد.

جرج کوکوود نامتهای طولانی از سربندل مشکل بن خودداری میکرد و در آن روزگار که «دیوید بیام» بازیگر و «ولویس کاپورن» در فیلم «دل اول» بازی میکردند من نظارت میکردم و هزاران سازه همان فیلم محسوب

میشدم. اما من بدون دلسردی و یاس سعی کردم از موقعیت استفاده نموده و فنون لازم را برای ایجاد لهای بهتر بیاموزم سالها بعد در یک مجله کار منو چه شدم که آن تجربیات تا چند وقت برای من مفید بوده.

در هر صورت اولین فیلم من در زمینه در میان بود و بعد از آن «مرد در شقایقهای شکسته» را بن دادند و عاقبت پس از یک فیلم آزمایشی دیگر قرارداد سی ساله با من بسته شد و باین ترتیب در سن ۲۲ سالگی من تاترا برای همیشه ترک کرده و پرده سینما را انتخاب نموده بودم اکنون بندهای رواج بازار فیلمهای ناطق در حال بود بودم برای کسانی که خواستار پیشرفت بودند بهترین فرصت پیدا شده بود اگر چه کسی در آن گیر و دار توجهی بن من نیکو کرد موندی پیش آمد و چند دل مهم بن محول شد اما دوران حقیقی هنر پیشگی من از ۱۹۳۴ شروع گردید.

بت دیویس ...

در این سال کتیانی وارد ک. او. مرا بر سر گرفت تا در فیلم کاتب مشهور «سامریت موم» و «اسارت» یشری» دل چایی بن واگذار نماید. در این فیلم من موفقیت غیر متظر می یافتم و در آن روزگار هنر کتانی و کلودن کتور در دهان سال ساعت الشفاح قرار ندادند بود احتمال میرفت که جایزه اسکار ۳۴ نصیب من شود اما تحقق این آرزو و تا سال بعد تا غیر اتفاق افتاد.

باین ترتیب دختر موعولانی ساده و بی اهمیت که هیچ کس انتظار داشت در بازار آشفته سینمای ناطق آمریکاموقبتی بدست آورد و نوع خود را در فیلم «اسارت بشری» نشان نمود و وقتی کارگردانان کتیانی و «ادوارد» متوجه شدند که چه گوهر گرانبهائی را در اختیار دارند بلافاصله در اول فیلم «خطرناک» را باو دادند و تا نمایش این فیلم بت دیویس از طرف آکادمی علوم و صنایع سینمایی امریکا بعنوان بزرگترین هنرپیشه زن سال ۱۹۳۵ معرفی شد و جایزه «اسکار» گرفت.

بت دیویس با کم این اغتفان بزرگ از پای نشست و بکوشش مداوم خود افزود و وقتی ۳ سال بعد مجددا جایزه اسکار بواسطه بازی در فیلم «جزء بل» باو داده شد عالی بود به شخصیت برجسته ای که در دهان خود داشت کتالی بر برد و در سالهای ۱۹۳۹-۱۹۴۰ بت دیویس

در اوج شهرت و افتخار بود و فیلمهایی که بازی میکرد هر یک شاهکاری بشمار میآمد. هه سال در پنج تاشش فیلم شرکت کرده و گاه اتفاق افتاده بود که در یک زمان مشغول بازی در دو فیلم مختلف میشد.

حادثه جنگ و تزلزل سطح عمومی فیلمهای آمریکائی موفقیت بت دیویس را تا حدی متزلزل کرد اما در پایان جنگ این ستاره تا بیاتک دوباره درخشیدن گرفت و فیلمهای «دورت سیر شده» و «زن تنگی از دست دفته» او از بهترین فیلمهای پس از جنگ محسوب می شود.

در ۴۲ سالگی بت دیویس از کتیانی برادران و او را ترغیب نمود که قرارداد او را منقضی کنند و پس از کشمکش بسیار در مساه کتیانی و ادرا ناچار با این امر موافقت کردند بت دیویس به کتیانی ا. ک. او. رفت و دهه چهارم دوباره او به داد آن کتیانی بخرج خود تهیه کرد این فیلم توسط کتیانی فوکس صادر شد و سر گذشت یک هنرپیشه از کار افتاده و مطرود است و فیلم بدی او «ستاره» نیز تریا نظیر همین فیلم میباشد.

بلاخره وقتی فیلم «ملکه باکره» او روی پرده آمد متعین اظهار کردند که بت دیویس دیگر خسته شده و بهتر است از سینما کناره گیری کند! فقط آینه در این مورد نضاوت خواهد کرد.

*** تردیدی نیست که تا کنون شخصیت و مهارت بت دیویس بیش از تبلیغات و نگارنگ استودیو هان تا شایع آنرا جل مینموده است و بازی ماهرانه و تپ خاص او که همیشه از خلال برسوزنای فیلم مشهود بود بیشتر از خود فیلم مردم را تحت تاثیر قرار داده است همانطور که یک نمایشنامه شکنی بدون ذکر نام مصنف هم فوراً شناخته می شود، شخصیت بارز بت دیویس حتی اگر او تقای



«امروز»



«دیروز»

۳۴ - وادرن بکارگردانی جانف. آدلین
 - ۲۶۰ جیم چنتلین «با چیس گاکسی»
 محصول ۳۴ وادرن بکارگردانی مایکل
 کریتر

۲۱ - «درفر پیکوروم» بادانله بودر
 محصول ۳۴ وادرن بکارگردانی ویلیام دینرل
 ۲۲ - «اسارت بشری» بالسلنی هوارد
 محصول ۳۴ ارنک او بکارگردانی جان
 کرمول
 ۲۳ - «باوی خانه» با جرج
 برنت محصول ۳۴ وادرن بکارگردانی
 الفرد گرین
 ۲۴ - «شهر مرزی» بابل مویسی
 محصول ۳۵ وادرن بکارگردانی ادجی میو
 ۲۵ - «دختر خیابان دهم» باین هانتز
 محصول ۳۵ وادرن بکارگردانی الفرد گرین
 ۲۶ «وزن صفت اول» با جرج برنت
 و ج کلارول لیش محصول ۳۵ وادرن بکارگردانی
 مایکل کریتر

۲۷ - «مامور مخصوص» با جرج برنت
 محصول ۳۵ وادرن بکارگردانی ویلیام
 کاپلی
 ۲۸ - «خطرناک» با فرانشون تن
 محصول ۳۵ وادرن بکارگردانی الفرد گرین
 ۲۹ - «جنگل سنگ شده» بالسلنی
 هوارد هنفری بوکارت محصول ۳۶ وادرن
 بکارگردانی ادجی میو
 ۳۰ - «تیرگمان زین» با جرج برنت
 محصول ۳۶ وادرن بکارگردانی الفرد گرین
 ۳۱ - «شیطان خانی» و ملاقات کرد
 با وادرن ویلیام محصول ۳۶ وادرن بکارگردانی
 ویلیام دینرل
 ۳۲ - «وزن نشانه» با هنفری بوکارت
 محصول ۳۷ وادرن بکارگردانی لودی بیکن
 ۳۳ - «کالا هدی کوچولو» با وادرن ج.
 رایسین و هنفری بوکارت محصول ۳۷ وادرن
 بکارگردانی مایکل کریتر
 ۳۴ - «دنیال» هتق هشتم» بالسلنی
 هوارد اولیو با وادرن بکارگردانی محصول ۳۷



«جرایل»

محصول ۳۲ کلیسیا بکارگردانی روی
 ویلیام بیل
 ۳۶ - «خانهدوزخ» با پات او براین محصول
 ۳۲ کاپیتول بکارگردانی هوارد هچین
 ۷ - «مردی که خدا را بیازی گرفت»
 با جرج ادریس روی میلانده محصول ۳۲ وادرن
 بکارگردانی جان آدلنی
 ۸ - «چندان بزرگ» با باز با استانبولک
 و جرج برنت محصول ۳۲ وادرن بکارگردانی
 ویلیام ولن
 ۹ - «نروستمن همیشه با ما هستند»
 با جرج برنت محصول ۳۲ وادرن بکارگردانی
 الفرد گرین
 ۱۰ - «داس» نیرودک» با وادرن ویلیام
 محصول ۳۲ وادرن بکارگردانی الفرد گرین
 ۱۱ - «امانک پنهانی» با جارد بار تلمس
 محصول ۳۲ وادرن بکارگردانی مایکل کریتر
 ۱۲ - «رحم جریب» با آن دوراک
 و جون بلو بیل محصول ۳۲ وادرن
 ۱۳ - «بیست هزار اسال دوسینک بیکن»
 با اسپنر تریبلی محصول ۳۲ وادرن بکار
 گردانی مایکل کریتر
 ۱۴ - «چتر باز» با داکس فرینکس
 محصول ۳۳ وادرن بکارگردانی آلفرد گرین
 ۱۵ - «دمردارگر» با جرج ادریس
 محصول ۳۳ وادرن بکارگردانی جان آدلنی
 ۱۶ - «غانه مایق» باین ریپوت
 محصول ۳۳ وادرن بکارگردانی دابرت
 فلودی
 ۱۷ - «دغتر اشعاش گذشته»
 پات او براین ویلویس استون محصول ۳۳
 وادرن بکارگردانی روی دل روت
 ۱۸ - «مانکن های ۱۹۳۱» با ویلیام
 پاول محصول ۳۴ وادرن بکارگردانی ویلیام
 دینرل
 ۱۹ - «بستر عظیم» با جارد فرانلر محصول

هم برچهره داشته باشد، در روی پرده
 مشخص است او هیچوقت تیپ خود را
 فراموش نمی‌کند و با همین موضوع سبب
 شده که بعضی از منتقدین او را همیشه تکرار
 پدیده خود او هم باین امر اعتراف دارد
 و اظهار می‌دارد: «کسانی که دانا تغییر
 روحیه و شخصیت می‌دهند اصولاً شخصیت
 ندارند که حفظ کنند». بکارگردانی فیلم
 بیشتر از آنجا بشناخته اهمیت می‌دهد و بهترین
 ستارو را حاضر نیست تحت نظر
 یک کارگردان ناآزموده بازی کند
 «جرج ایس» هنرپیشه و همکار چندین
 ساله او معتقد بوده بت دیویس بیشتر
 بکارگردان می‌آموزد تا کارگردان به او
 ناخوشه فراموش شده هالیوود
 امروز ۴۹ سال دارد و در روزهای شهر
 سینما در خانه خود در ایالت «مینه» با
 شوهر و فرزندانش زندگی می‌کند یکسر
 پرافتخارا پشت سرگذاشته و با تجربه و
 آموخته هنری که دارد مورد احترام
 جهانیان است. تاکنون در ۶۸ فیلم شرکت
 نموده و در میان آن‌ها خود او «بیروزی
 تاریک» و «ایش از همه می‌رسد»

فیلمهای بت دیویس

۱ - «خواهر بسترش» بامیدی-
 فاکس و هنفری بوکارت محصول ۱۹۳۱
 بونیورسال بکارگردانی هربرت هنلی
 ۲ - «پل» با جان بار محصول
 بونیورسال بکارگردانی جان م. شال
 ۳ - «پل و ایلو» بامی کلارک
 محصول ۱۹۳۱ بونیورسال بکارگردانی
 جیس ویل
 ۴ - «بازگشت خانه» با فابلیس
 لرد محصول ۱۹۳۱ ارنک او بکارگردانی
 ویلیام ا. اسپنر
 ۵ - «آفت» با ج. ا. ب. وادرن



«خطرناک»

۳۵ - «آندن مشفق» هم‌بافتی
فوندا محصول ۳۷ واژه‌های بکارگردانی از موند
گولدنک

۳۶ - «چزه بل» با هنری فوندا و
جرج برنت محصول ۳۸ واژه‌های بکارگردانی
ویلیام وایلر

۳۷ - «خوهران» با رولین محصول
۳۸ واژه‌های بکارگردانی اتول لیتواک

۳۸ - «بیزوی تازیک» با جرج
برنت هم‌فتری بوگارت و جرالده بن فلیز جرالده
محصول ۳۸ واژه‌های بکارگردانی ادموند
گولدنک

۳۹ - «خواد» با پل مونی و بریان
اهرن و کلود ریز و جان کازفیلد محصول و
۳۹ واژه‌های بکارگردانی ویلیام پیتزل

۴۰ - «دو شیزه پیر» با جرج برنت محصول
۳۹ واژه‌های بکارگردانی ادموند گولدنک

۴۱ - «ژانگی خصوص الیزابت و استن»
با رولین و اولیو پاپو و هانا و پنه محصول
۳۹ واژه‌های بکارگردانی مایکل کریز

۴۲ - «عشق ناکام» با شارل بوایه
محصول ۴۰ واژه‌های بکارگردانی اتول لیتواک

۴۳ - «نامه» با هربرت مارشال محصول
۴۰ واژه‌های بکارگردانی ویلیام وایلر

۴۴ - «دو دوغ بزرگ» با جرج برنت
و مری استود محصول ۴۱ واژه‌های بکارگردانی
ادموند گولدنک

۴۵ - «عروس آمد» با جیس کاسی
محصول ۴۱ واژه‌های بکارگردانی ویلیام کاسی

۴۶ - «دو باهان کوچک» با هربرت
مازسال و نرژا اوبت محصول ۴۱ واژه‌ها

۴۷ - «دردی که برای شام آمد» با
آن شریدان و مونی وولسی محصول ۴۱

۴۸ - «درد زنده کی ما» با اولیو
دو وایلند و جرج برنت محصول ۴۲ واژه‌ها
بکارگردانی جان هوشن



«چنگل سنگ‌شده»

۵۷ - «دربیت» با پل هنری و گلودرین
محصول ۴۹ واژه‌های بکارگردانی ابرو لیتواک

۵۸ - «دو دوازدهم» با جیم بوین
محصول ۴۸ واژه‌های بکارگردانی برتنی
وینست

۵۹ - «عروس زون» با وایر
مونتگرمی محصول ۴۸ واژه‌های بکارگردانی
برتنی وینست

۶۰ - «ماوراهنگ» با جوزف کان
و دیوید براین محصول ۴۹ واژه‌های بکارگردانی
کینت و پودو

۶۱ - «همه چیز در باره ایو» با آن
یاگستر و جرج ساندز محصول ۵۰ واکن
قرن بیستم بکارگردانی ژوزف مانکی و بیج

۶۲ - «بزداخت بر حسب تقاضای» با
پادی سولوان محصول ۵۱ واژه‌ها
بکارگردانی گودیزیر نهادت

۶۳ - «دزد بگری» با امیلین و پلیمز
و گاری مریل محصول ۵۱ واژه‌ها
بکارگردانی ابرو لیتواک

۶۴ - «تلفنی از یک ناشناس» با
گاری مریل و شلی وینتر محصول ۵۱
واژه‌ها بکارگردانی ژان لگولسو

۶۵ - «ساز» با استر لیتک هیدن محصول ۵۲
واژه‌ها بکارگردانی استوارت هیلر

۶۶ - «ملکه باکره» با چارل داندو
و جون کولینز محصول ۵۵ واژه‌ها
بکارگردانی هنری کاسپر

۶۷ - «مرکز طوفان» با ادیلت و
کیم هانت محصول صادر شده کلیپا بکارگردانی
دانیل تاراداش

۶۸ - «صحنه عروسی» با رست بودگتاین
و پادی فلیز جرالده محصول صادر شده و
کلهوین مایر بکارگردانی و چارل داندو

۶۹ - «توت و مسافر» با پل هنری و کلود
رین محصول ۴۲ واژه‌های بکارگردانی
ابرو لیتواک

۷۰ - «نگهبان داین» با پل لوکاس
و جرالده بن فلیز جرالده محصول ۴۳ واژه‌ها
بکارگردانی هرمان شوملین

۷۱ - «شکر از ستارگان خوشبخت
شاه» با هنریشگان و ژرژ محصول ۳ واژه‌ها
بکارگردانی ریوچ بانلو

۷۲ - «آشنایی دو دودان» با مایر بام
هاگنر محصول ۴۳ واژه‌های بکارگردانی
وینست شرم

۷۳ - «آقای اسکینگتن» با کلود رینز
محصول ۴۴ واژه‌های بکارگردانی وینست شرم

۷۴ - «کلاه سربازان» با هنریشگان
کیناتی و ادر محصول ۴۵ واژه‌های بکارگردانی
دلر دیو

۷۵ - «زندت حیرت» با مایکل پرورش
محصول و ادر بکارگردانی ابرو لیتواک و ایل
۷۶ - «زندگی از دست رفته» با کلن
تو و دوی کلادک و واکر پزان محصول
۴۶ واژه‌های بکارگردانی گودیزیر نهادت

